

بسمه تعالی

ناو هواپیما بر؛ آری یا خیر؟

زیر دریایی؛ آری یا خیر؟

در دوران تدریس، دانشجویان به دفعات سوال می‌پرسیدند که چرا ایران، ناو هواپیما بر نمی‌سازد؟ آیا دانش طراحی آن را نمی‌دانیم یا توانایی ساخت آن را نداریم؟

در اینجا لازم است توضیحاتی را ارائه کنم:

اینکه دانشجویان ایرانی، خواهان رشد و پیشرفت کشور خود هستند و اینکه به خود اجازه می‌دهند چنین افکار بزرگی را در ذهن خود پرورش دهند بسیار درخور تقدیر و تحسین برانگیز است. اما باید دانست که در مواردی که به امنیت ملی و قدرت دفاعی کشور، مربوط می‌شود، به هیچ وجه نباید احساسی و تقلیدی عمل کرد. اینکه "برخی از کشورهای معروف، دارای ناو هواپیما بر هستند پس چرا ما نداشته باشیم" اصولاً حرف درستی نیست. باید ابتدا به فلسفه وجودی و کاربرد عملیاتی هر چیزی دقت کنیم و سپس در مورد لزوم آن و کسب دانش طراحی و توانایی ساخت آن تصمیم بگیریم. ناو هواپیما بر اصولاً برای کشورهایی مناسب است که از سرزمین مادری خود هزاران کیلومتر دورتر هستند و برای پشتیبانی هوایی نیروهای خود، نیاز به ناو هواپیما بر دارند. بدیهی است که این نوع عملکرد، خاص قدرتهای فرامنطقه‌ای است که منافع استعماری خود را در اقصی نقاط دنیا دنبال می‌کنند. ولی اگر تفکر ما دفاعی است و قصد حضور در آنطرف کره زمین را نداریم پس لزومی ندارد که چنین ابزاری فراهم کنیم. از دیدگاه دفاعی، برای مقابله با هر چیزی، لزومی ندارد که همان چیز را داشته باشیم مثلاً برای دفاع در برابر یک تانک زرهی ۷۰ تنی، یک گلوله آربی جی ۷ کیلوگرمی کفایت می‌کند، به شرطی که موقعیت منطقه‌ای و شرایط عملیاتی خود را خوب بشناسیم. در مورد ناو هواپیما بر هم همینطور است. یک ناو هواپیما بر ۱۰۰ هزار تنی با ۲۰۰ متر طول و ۶ هزار خدمه و ۹۰ فروند هواپیما و هزاران تن مواد منفجره و تسلیحات، فقط با ۵ اژدر ۶ متری غرق می‌شود، البته با شرطی که ذکر شد. در واقع همه متخصصان نظامی دنیا قبول دارند که اگر حفاظت کافی از یک ناو هواپیما بر نشود، به لحاظ ابعاد بزرگی که دارد یک سیل متحرک و یک لقمه سهل الحلقوم! است. به همین دلیل، یک ناو هواپیما بر هرگز به تنهایی به دریا نمی‌رود بلکه ناوگانی از انواع ناوها و زیردریایی‌ها، حفاظت از آن را روی سطح، بالای سطح و زیر سطح دریا برعهده دارند. پس مسئله فقط داشتن یک ناو هواپیما بر نیست، مسئله، چگونگی محافظت از آن و توانایی تامین ناوگان همراه و هزینه‌های گزاف آن است. تجربه درگیری ناوهای ایرانی با ناو آمریکایی در اواخر جنگ، که منجر به غرق شدن ۲ ناو ایرانی شد، تجربه‌ای تلخ اما درس آموز بود. اینکه "هرچه بزرگتر، بهتر"، در چنین مواردی کاملاً مردود است. بنظر می‌آید چنین هزینه‌های گزافی را می‌توان در جاهای موثرتری هزینه کرد که در "نبرد ناهمگون" کارایی

موثرتری داشته باشند مثلاً برای طراحی و ساخت ناوهایی که پهنه حضورمان را تا اقیانوس هند و مدار ۱۰ درجه تامین کند (نه آنسوی کره زمین). یا بخصوص برای طراحی و ساخت زیردریایی. اما چرا زیردریایی؟

یک سوال جالب: آیا تاکنون توجه کرده‌اید که چرا در بازار خرید و فروش تسلیحات در دنیا، انواع مدرن‌ترین هواپیماهای جنگنده و شکاری عرضه می‌شوند ولی زیردریایی خیلی خیلی به ندرت و آنهم فقط بین کشورهای خاص خرید و فروش دارد؟ چرا آمریکا، پیشرفته‌ترین جنگنده‌های خود را به عربستان و کشورهای عربی می‌فروشد ولی (علی‌رغم اصرار ۵۰ ساله آنها به خرید زیردریایی به هر قیمتی!!) حتی حاضر به فروش یک فروند زیردریایی هم به آنها نیست؟. جواب آن اینست که؛ پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها از لحظه بلند شدن از سطح زمین توسط رادارها و ماهواره‌ها و انواع و اقسام ردیابهای دیگر از فاصله چندصد کیلومتری یا حتی چند هزار کیلومتری ردیابی می‌شوند و از آنجا که موشک ضد آن جنگنده را هم از قبل آماده دارند لذا بی‌هیچ نگرانی، جنگنده‌ها را خرید و فروش می‌کنند. ولی زیردریایی چطور؟ یک زیردریایی از لحظه‌ای که به زیرسطح آب می‌رود، شناسایی و ردیابی آن بسیار بسیار مشکل می‌شود چراکه امواج الکترومغناطیسی در داخل آب نفوذ نمی‌کنند و ردیابی راداری و ماهواره‌ای غیر ممکن می‌شود. تنها راه عملی شناسایی زیردریایی در زیر آب، ردیابی صوتی است که آن هم در برخی مواقع حتی از فاصله چند صدمتری هم امکان‌پذیر نیست که البته ممکن است کار از کار گذشته باشد و اثرهایی بطور همزمان و شتابان از زیردریایی در حال حرکت باشند. پس احتمال غافلگیری توسط زیردریایی بسیار بالاست و طبیعی است که کشورهای فروشنده به دنبال در دسر نیستند. هرگز چیزی را به یک کشور عربی نمی‌فروشند که فردا روزی خودشان از پس آن برنیایند یا به زحمت بیافتند. تصور کنید که یک زیردریایی همانند یک صخره در کف دریا نشسته یا به آرامی حرکت می‌کند و اصول اختفاء را هم رعایت می‌کند؛ چگونه می‌تواند آن را پیدا کرد؟ آیا همانند پیدا کردن سوزن در انبار کاه نیست؟ لذا اگر ایران بجای سرمایه‌گذاری در ساخت ناو هواپیمابر به سمت طراحی و ساخت زیردریایی برود، آیا معقول‌تر نیست؟ که البته به لطف خدا در سالیان اخیر همین اتفاق هم افتاده و به دفعات در گزارشهای تلویزیونی هم مشاهده شده. این در حالیست که به اتفاق نظر تمامی طراحان و مهندسان معماری دریایی در دنیا، زیردریایی پیچیده‌ترین وسیله نقلیه دریایی است که سطح دانش و تکنولوژی آن، قابل مقایسه با هیچ کشتی و شناوری نیست. حالا که مسیر و هدف-گذاری درست انتخاب شده، هرچه در این راه هزینه کنیم، خطا نکرده‌ایم.

پس مسئله، دشواری طراحی و ساخت یا دانستن و ندانستن آن نیست، بلکه تفکری است که درست بودن یا نبودن راه را نشان دهد.

همیشه سربلند باد ایران ما